

نبرد با اهریمن

براندازی شیاطین مذهبی در ایران



دکتر آرمان نوری

گزیده گاهنامه های سازمان پارس و شورای براندازی از سال ۱۳۸۴ تا آذرماه ۱۳۸۶

Organisation PARS
B.P 6593
75065 Paris Cedex 2
France

www.sazmanepars.com
Email : sazmanepars@aliceadsl.fr

All Rights Reserved

کلیه حقوق برای نویسنده محفوظ می باشد.

Published in February
By : Dr. Arman Nouri
Proof reader : Mona Sedghi

چاپ اول
دکتر آرمان نوری
ویراستار : مونا صدقی
از انتشارات
بهمن ماه ۳۷۴۵ جمشیدی

پیشکش

من آرمان نوری به امید همسو کردن ملت ایران در رهنمود به فراسوی ایرانی آزاد، آباد و سرافراز می باشم که در نهایت نیکی، زیبایی، مهر و دوستی به سرزمین اهوراییمان بازگردد. فرزندان ایرانزمین از نیروی عظیم اندیشه، توان و روان خود نیروی غلبه بر دشمنان را تدارک بینید و بدانید که دشمنان ما تاب و توان مقاومت در مقابل خشم فرزندان ایرانزمین را نخواهند آورد. پیروزی از آن فرزندان نیک اندیش و مبارز ایرانزمین خواهد بود.

فرزندان ایرانزمین اگر ایزد نیکخواه ایرانزمین را دریابید و برای نابود ساختن دشمنان ایرانزمین در کنار هم قرار گیرید، من شما را به سوی آرمان های نیکی و نور یزدان نیکخواه ایرانزمین راهبری خواهم نمود و با هم کشوری خواهیم ساخت مملو آزادگی و بالندگی در سیر تمدن جهانی.

فرزندان ایرانزمین به خود آید، شما نهاد همه خوبی ها هستید و دم اهورا، ایزد توانای ایرانزمین در روح و روان همه شماست.

از خون و خاک و بستر فرهنگی و نماد زیبایی، مهر و دوستی با یکدیگر، مدد گیرید و با خشم و غضب بر اهریمنان سیه گون ضد ایران و ایرانی بتازید و نابودشان سازید.

بیاتابکشیم و جنگ آوریم	برون سرازاین بارنگ آوریم
اگر سرب سرتن به کشتن دیم	از آن به که کشور به دشمن دیم
چو ایران نباشد تن من مباد	بدین بوم و برزنده یک تن مباد

فردوسی

در این خاک زرخیز ایرانزمین
همه دیشان مردی و داد بود
همه بنده پاک یزدان پاک
پدر در پدر آریایی نژاد
بزرگی به مردی و فرهنگ بود
کجافت آن دانش و دین ما
که انداخت آتش در این بوستان
به یزدان که این کشور آباد بود
نه دشمن دین بوم و بر لاله داشت
از آن روز این خانه ویرانه شد
بوزد در آتش کرت جان و تن
اگر مایه زندگی بندگیست
بیاتابگو شیم و جنگ آوریم
سرشت من از مهر مین بود
چو ایران نباشد تن من مباد

نبودند جز مردمی پاکدین
وز آن کشور آزاد و آباد بود
همه دل پر از مهران آب و خاک
ز پشت فریدون نیکونهاد
گدایی دین بوم و بر تنگ بود
که شد مهر مین فراموش ما
کز آن سوخت جان و دل دوستان
همه جای مردان آزاد بود
نه بیگانه جانی دین خانه داشت
که نان آورش مرد بیگانه شد
به از بندگی کردن و زیستن
دو صد بار مردن به از زندگیست
برون سرازین بار تنگ آوریم
من از مین و مین از من بود
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

«فردوسی»

فهرست مطالب

بخش اول: نوشتارها و مقالات

.....	شیاطین مذهبی و ظهور آنان در ایران	۳
.....	طرح دوقلوی آمریکا و انگلیس	۶
.....	افراط گرایی و رادیکالیسم اسلامی حربه استعمارگران مذهبی غرب	۱۰
.....	جدایی دین از حکومت (سکولاریسم - لائیسیته)	۱۵
.....	حکومت ابلهان در مستعمرات	۱۹
.....	عربستان سعودی خزانه دار تروریست های اسلامی	۲۲
.....	اقتصاد نفتی یا اقتصاد تک محصولی	۲۵
.....	تضاد استراتژی اسرائیل و مکتب آرمانی مثبت	۳۲
.....	جنگ آتش فرا رسید	۳۵
.....	مرگ اقتصادی حکومت اسلامی	۳۸
.....	سال براندازی فرا رسید	۴۸
.....	حمله آمریکا به ایران	۵۱
.....	جنبش براندازی در ایران به پیروزی نزدیک می شود	۵۳
.....	نامه سرگشاده به رئیس جمهور فرانسه آقای نیکولا سارکوزی	۶۰
.....	تاریخ پرچم ایران	۶۲
.....	بیست و دوم خرداد، روز همبستگی زنان ایران زمین را ارج می نهیم	۷۱
.....	توحش حکومتی	۷۳

۷۶.....	هجده تیر روز قیام ملی، روز براندازی حکومت اسلامی
۸۰.....	ایران سرزمین پیدایش تمدن
۹۵.....	نبرد نیکی با اهریمن
۹۷.....	اندیشهٔ رزم ایرانی علیه استعمارگران جهانخوار
۱۰۰.....	احمدی نژاد آخرین رئیس جمهور حکومت شیاطین اسلامی در ایران
۱۰۲.....	سناریوی جنگی و استمرار حکومت اسلامی
۱۰۶.....	حملهٔ نظامی به ایران
۱۰۸.....	آخرین تیر در تاریکی
۱۱۱.....	حکومت اسلامی آیینه تمام نمای زشتی ها
۱۱۳.....	روشنفکران تاریک اندیش
۱۱۶.....	دریای خزر و رژیم حقوقی ایران
۱۲۳.....	تشکیل هسته های براندازی در ایران
۱۳۴.....	رهبری جنبش براندازی

بخش دوم: روشنگری ها

۱۳۱.....	ترور دکتر حسین فاطمی توسط فدائیان اسلام
۱۳۹.....	تشکیل لژ اسدآبادی ملایان توسط شریف امامی
۱۴۳.....	دست کم ۲۵ تن از اعضای ارشد القاعده در ایران به سر می برند
۱۴۷.....	شیمون پرز خواستار اخراج جمهوری اسلامی از سازمان ملل متحد شد
۱۴۸.....	دست های بوش و احمدی نژاد یکدیگر را می شویند
۱۵۱.....	پیوندهای سرنوشت حکومت اسلامی و اسرائیل
۱۵۸.....	این بازی در ۹ ماه آینده سرانجام به کجا خواهد رسید
۱۶۰.....	نقش حکومت اسلامی در وقایع اخیر فرانسه
۱۶۲.....	پروژه حذف احمدی نژاد و وارد صحنه شدن هاشمی رفسنجانی
۱۶۴.....	پیرامون شیوهٔ بررسی مسائل ایران
۱۶۷.....	سفر پوتین به ایران و تمکین مالی و معنوی حکومت اسلامی

ائتلاف منحوس ابراهیم یزدی و شیرین عبادی ۱۷۱
کانون نویسندگان ایران در تبعید، تجدیدی از حیات کنفدراسیون ۱۷۷

بخش سوم: فرقه مجاهدین خلق

فرقه مجاهدین خلق ۱۸۷
همکاری مسعود رجوی با ساواک ۱۹۹
تعدادی از عملیات تروریستی فرقه ۲۰۷
عملکرد فرقه پس از آزادی مسعود رجوی و دیگر اعضا از زندان تا سال ۶۰ ۲۱۴
آیت الله طالقانی ۲۲۶
توهمات درون فرقه ای ۲۲۹
موضع گیری فرقه علیه آمریکا قبل از « فرار بزرگ » به پاریس ۲۳۶
تشکیل شورای ملی مقاومت ۲۵۱
اعلام انقلاب ایدئولوژیک ۲۵۴
ارتش خصوصی صدام ۲۵۸
شروع همکاری مسعود و صدام ۲۶۳
تعدادی از عملیات نظامی ارتش صدام به همراهی ارتش مریم رجوی ۲۶۵
عملکرد فرقه پس از شکست عملیات فروغ جاویدان ۲۶۹
انقلاب درون فرقه ای مجاهدین خلق ۲۷۲
عملیات مروارید علیه کردهای عراقی - مارس ۱۹۹۱ ۲۷۵
شستشوی مغزی اعضا ۲۷۸
سرنوشت فرقه پس از حمله اول آمریکا به عراق ۲۸۰
تهدید، زندانی، شکنجه و اعدام اعضای فرقه ۲۸۳
حامیان فرقه مجاهدین خلق ۲۸۵

بخش چهارم: فرح دیبا

فرح دیباچچی (دیبا) و نابودی ایران	۲۹۹
خانواده دیبا	۳۰۰
حوادث عشقی فرح	۳۰۹
فرح و زاهدی	۳۱۳
فرح و لیلی امیر ارجمند	۳۱۹
فرح و کریم پاشا بهادری	۳۲۱
فرح و رضا قطبی	۳۲۲
فرح و ژان دزونوآ	۳۲۷
فرح و فریدون جوادی	۳۲۹
فرح و هوشنگ نهاوندی	۳۳۰
فرح و احسان الله نراقی	۳۳۲
فرح و داریوش همایون	۳۳۴
فرح و فاتزه رفسنجانی	۳۳۸
فرح و پرویز ثابتی	۳۴۰
فرح و فراماسونری	۳۴۲
خاطرات تاج الملوک	۳۴۴

بخش پنجم: عکگرد، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها

گزارش تظاهرات روبروی سفارت اشغال شده ایران در پاریس (سالگرد ۲۲ بهمن)	۳۵۱
گزارش تظاهرات روبروی پارلمان اروپا در بروکسل (سالگرد ۱۸ تیر)	۳۵۲
متن مصاحبه خبرنگار سازمان دانشجویان مبارز با دکتر آرمان نوری	۳۵۵
گزارش کنفرانس در پاریس (افشاگری جداشدگان از فرقه مجاهدین خلق)	۳۶۱

بخش ششم: پیام‌ها

- پیام دکتر آرمان نوری در آستانه سال ۲۰۰۶ میلادی ۳۶۷
- پیام نوروزی دکتر آرمان نوری (نوروز ۳۷۴۴ جمشیدی) ۳۶۹
- تقدیر از مبارزان راه آزادی (کارگران و کارمندان شرکت نفت و گاز) ۳۷۲
- اطلاعیه سازمان پارس به جامعه یهود ۳۷۳
- پیام همدردی دکتر آرمان نوری ۳۷۴
- تحریم هرگونه انتخابات در ایران زمینه ساز براندازی می باشد ۳۷۵
- پیام دکتر آرمان نوری به مناسبت روز زن ۳۷۶
- پیام تقدیر از شیرزنان سلحشور ایرانزمین ۳۷۹
- پیام نوروزی دکتر آرمان نوری (نوروز ۳۷۴۵ جمشیدی) ۳۸۲
- اعلامیه مشترک براندازی ۳۸۵
- پیام دکتر آرمان نوری به آموزگاران و معلمان کشور ۳۸۷
- پیام دکتر آرمان نوری به کشاورزان کشور ۳۹۰
- پیام دکتر آرمان نوری برای همبستگی ملت ایران علیه دشمنان ایرانزمین ۳۹۷
- پیام دکتر آرمان نوری به دانشجویان مبارز ایرانزمین ۳۹۹
- مردم ایران بیدار شوید ۴۰۲
- میهن پرستان بپاخیزید ۴۰۵
- اعلامیه ۴۰۸
- هماهنگی قبل و بعد از براندازی ۴۰۹
- مقررات دوران انتقال ۴۱۲

بخش اول

نوشتار و مقالات

شیاطین مذهبی در ایران

در ناامیدی بسی امید است

پایان شب سیه سپید است

فرزندان ایرانزمین، می بایست ناامیدی را رها کرده، پلیدی و سیاهی را کنار زده و بر اهریمن تباهی چیره گردیم، آن زمان است که به روشنایی، نیکی و زیبایی دست خواهیم یافت و رفاه، سربلندی و عشق به ایران و ایرانی که خواست یزدان نیکخواه ایرانزمین است در سرزمین اهورایی و پرافتخار ما گسترده خواهد شد.

فرزندان ایرانزمین، آگاه باشید که شیاطین بر روی زمین به تمامی شکل ها ظاهر شده اند و با نیرنگ، تزویر، ریا و حيله های گوناگون در هر چهره ای در صدد نابود کردن بشریت و ایجاد فساد، جنگ و جنایت، شکنجه و کشتار، ظلم و ستم و تجاوز به حریم انسان ها بوده اند. فرزندان ایرانزمین، لباس مذهب یکی از دستاویزهایی است که شیاطین از آن همواره بهره برده اند و مقاصد شوم خود را که برپا کردن ظلمت و تباهی و نابود ساختن روح و روان انسان هاست، به انجام رسانیده اند. اگر کمی به تاریخ جهان بنگریم در می یابیم که در تمامی جنگ های مذهبی در ادیان مختلف ظهور شیاطین به چشم می خورد. شیاطین، دین و مذهب را وسیله کشتار و شکنجه قرار داده اند و به نام مذهب و خدا، سال ها و حتی قرن ها در کشورهای مختلف حاکمیت جنایت، خیانت و ستم را پا بر جا نگاهداشته اند.

فرزندان ایرانزمین، در پلیدی و تباهی، وجود و نقش شیطان ظهور می کند، ولی هر جا نیکی و مهربانی، عشق و دوستی، سخاوت و گذشت، آرامش و صلح حکمفرما شود سایه یزدان نیکخواه و اهورای ایرانزمین هویدا می گردد. چنانچه روح ایزد نیکی ها همواره به شکل مذهبی و غیرمذهبی، در مسیر انساندوستی، مهر و دوستی، سازندگی و صلح بوده است.

فرزندان ایرانزمین، بدانید و آگاه باشید که حکومت جبار اسلامی در ایران نماینده ظهور شیاطین است. آنان به نام مذهب، جهنمی مرگبار به وسعت ایرانزمین برای فرزندان آن ساخته اند و قتل و جنایت، تباهی و ناامیدی را در میهن اهورایی ما غالب ساخته اند.

فرزندان ایرانزمین، نگذاریم پلیدی و تباهی در کشور ما همچنان باقی بماند و شیاطین مذهبی، میهن اهورایی ما را به فقهقرای نیستی و نابودی بکشانند. نگذاریم که روح و روان و اصالت ایرانی بیش از این از نیکی جدا گردد و به پلیدی و اهریمن نزدیک شود. نگذاریم شیاطین مذهبی مهر و دوستی و همبستگی مابین فرزندان ایرانزمین را بیش از این خدشه دار

سازند و عرق میهن پرستی را که لازمهٔ نبرد و پیروزی بر اهریمنان و دشمنان ایرانزمین می باشد بیش از این از ما جدا سازند.

فرزندان ایرانزمین، بدانید که هرچه **مهرمان** به ایران و ایرانی افزوده شود این **شیاطین ضعیف تر و ناتوان تر** می گردند و آنگاه با همبستگی و **رزم فرزندان ایرانزمین** علیه این **اهریمنان ناپاک**، آزادی، آبادی و سرافرازی به ایران و ایرانی بازخواهد گشت و دشمنان ایرانزمین نابود خواهند شد.

فرزندان ایرانزمین، با نگاهی به گذشته، هم اکنون در می یابیم چگونه **اهریمنان** و **شیاطین مذهبی** توانسته اند فرزندان ایرانزمین را فریب دهند و **یزدان نیکخواه و فرایزدی** را که نماد **مهر و دوستی** و **خوبی** هاست از روح و روان و قلب های ما دور سازند و ایرانیان را در پی **برادرکشی، جنگ و تباهی و ظلم و ستم** بکشانند.

فرزندان ایرانزمین، آنان توانستند با **نیرنگ** و **ریا** و **یاوه** گویی، ایرانزمین را در چنگال **شیاطین مذهبی** اسیر گردانند و اهریمنان را بر ما حاکم سازند چنین است که این ناپاکان به مدت ۲۸ سال جز **نیرنگ** و **دورغ، خیانت و جنایت، دزدی و چپاول، جنگ و ویرانی** و **شکنجه** های روحی و جسمی برای ملت صبور ایرانزمین به ارمغان نیاورده اند. این **شیاطین مذهبی** به نام مذهب و اسلام، **چپاول و غارتگری** ها، **خیانت** و جنایاتشان را بر اساس **قانون الهی** جلوه داده اند.

این **اهریمنان** با **حمایت استعمارگران** ناپاک بیگانه، **جنایت** و **دزدی** را در **میهن اهورایی** ما به نهایت رسانیده اند و **صدها میلیارد دلار ثروت ملت ایران** را به **حساب** های شخصی خود در خارج انتقال داده اند و در عوض **مرگ** و **نیستی** و تباهی را به فرزندان ایرانزمین ارزانی داشته اند.

فرزندان غیور ایرانزمین، صبر و شکیبایی بس است. **زمان رزم فرا رسیده است**، خود را برای کارزار آماده سازید، **زمان نبرد** و **نابود** ساختن **اهریمنان** ناپاک فرا رسیده است. با همیاری و همبستگی با یکدیگر در مسیر به چنگ آوردن ایرانی **آزاد، آباد** و **سرافراز**، خود را نیرومندتر سازید و در زمان موعود، ضربهٔ نهایی را بر پیکر **پلید شیاطین سنگدل مذهبی** فرود آوردید و **نابودشان** سازید.

فرزندان غیور ایرانزمین، **طلوع** نور **یزدان نیکخواه ایرانزمین** که دستاویز پیروزی **فرزندان ایرانزمین** می باشد، در **گرو مهر و دوستی، همیاری و همبستگی، سخاوت و گذشت** مابین **همرزمان میهن پرست** می باشد که از آن، چنان نیرویی حاصل می شود که **شیاطین مذهبی** و **اهریمنان ناپاک** را نابود خواهد ساخت و آن زمان است که با یاری **یزدان نیکخواه ایرانزمین**، به سوی رفاه و خوشبختی، **صلح** و **آزادی** و **سرافرازی** و افتخار پیش خواهیم رفت.

نبرد با اهریمن

فرزندان غیور ایرانزمین، از ماست که در این زمان حساس از تاریخ کشورمان، هرچه نیرومندتر با قلب‌هایی آکنده از مهر و دوستی و عشق به ایران و ایرانی به جنگ این شیاطین ناپاک برویم و مبارزه خود را تا روز نبرد بزرگ یعنی روز قیام ملی، به هر شکل که توان آن را داریم با این دزدان و قاتلان نابکار ادامه دهیم و از هیچ فداکاری دریغ ننماییم و بدانیم که خون کورش و داریوش و صدها قهرمان ایرانزمین در رگ‌های ما جاریست و یزدان نیکخواه ایرانزمین با ما یار است و پیروزی از آن نیکی خواهد بود و پلیدی و ناپاکی محکوم به فناست و در نهایت آزادی، آبادی و سرافرازی به میهن‌هورایی ما باز خواهد گشت.

اردیبهشت ماه ۳۷۴۳ جمشیدی (۱۳۸۴)

طرح دوقلوی آمریکا و انگلیس بمباران ایران از هوا، تجزیه کشور از زمین



فدرالیسم بهانه جدید مایکل لدین و انستیتو امریکن اینترپرایس برای تجزیه ایران

جدیدترین و آخرین توصیه مؤسسه اینترپرایس به وزارت دفاع آمریکا برای غافل نشدن از مسئله اقوام در ایران و ضرورت توجه به زمینه های جنگ داخلی و موزائیکی شدن ایران، با حوادث انفجاری اهواز می رود تا وارد مرحله عملی شود. هدف اولیه هر نوع بمباران و یا حمله نظامی به ایران، برافروختن جنگ داخلی در ایران و جداسازی جنوب کشور از حکومت مرکزی است. ایجاد فضای جدایی خواهانه و استقلال طلبانه چهار نقطه بحرانی کردستان، بلوچستان، خوزستان و آذربایجان که دارای ظرفیت جدا کردن حساب خود از حکومت مرکزی شیعه سرکوبگر در محاسبه حمله نظامی به ایران خارج نیست.

این جمله بسیار دقیق گزارش مایکل لدین و مؤسسه اینتر پرایس، جان کلام است: کاخ سفید و بوش درباره این ظرفیت غفلت کرده اند که فارس ها در ایران اقلیت اند.

توصیه مایکل لدین (اینترپرایس) به کاخ سفید : فارس های ایران در اقلیت اند روی اقوام دیگر حساب کنید.

انستیتو اینترپرایس آمریکا که روی امور سیاسی، نظامی و اقتصادی، کارهای تحقیقاتی می کند و گزارش های خود را بعنوان توصیه به دولت این کشور ارائه می دهد، در گزارش تازه ای، به مسائل قومی ایران پرداخته و تلویحاً موزائیکی شدن ایران و جنگ داخلی در ایران را



بعنوان یکی از **ظرفیت های موجود ایران** به کاخ سفید پیشنهاد کرده است. **مایکل لدین** در رأس این مؤسسه قرار دارد. در این گزارش می خوانید: « بعد از پنج سال هنوز بوش نتوانسته یک سیاست روشن در مقابل ایران داشته باشد. با وجود اینکه وزارت خارجه آمریکا ایران را بعنوان عامل تروریسم در دنیا اعلام کرده است و در حالیکه تمام گفتگوها بر سر مسأله اتمی ایران است، آینده رژیم به ندرت مورد بحث قرار می گیرد. با وجود اینکه ایران از گروههای مختلف قومی تشکیل شده است، هنوز بوش این

تشخیص را نداده که فارس ها کمترین جمعیت را در ایران دارند و بیشترین جمعیت متعلق به آذربایجانی ها، کردها، بلوچ ها، ترکمن ها و اعراب خوزستان است. بی شک در آینده که دولت ایران سرنگون شود این گروهها نقش مهمی ایفا خواهند کرد.»

چهره ای پنهان در پشت نقاب فدرالیسم برای ایران

انستیتو آمریکن انتر پرایز از مؤسسات معروف مخازن فکری آمریکا و متخصص در « تغییر رژیم » اخیراً آگهی دعوت به **پانلی** را برای مسائل ایران بیرون داده است. این پانل تحت عنوان Unknown Iran, Another Case for Federalism در تاریخ ۲۶ اکتبر سال جاری در محل انستیتوی فوق الذکر در **واشنگتن** برگزار خواهد شد.

اسامی شرکت کنندگان در **پانل** به این ترتیب است: **دکتر علی آل طه** پروفیسور دانشگاه شاو در رشته جامعه شناسی، **دکتر حسین بور** از جبهه متحد بلوچستان، **دکتر مرتضی اسفندیاری** نماینده حزب دمکرات کردستان ایران در آمریکای شمالی، **آقای رحیم شهبازی** از جامعه آذربایجانی های مقیم آمریکای شمالی آقای **مایکل لدین** کارشناس و رئیس جلسه از مؤسسه آمریکن انتر پرایز. بهتر است قبل از هر چیز، به متن دعوت این انستیتو که خود گویای بسیاری مطالب است، بپردازیم. آمریکن انتر پرایز می نویسد: « پنج سال پس از انتخاب جرج دبلیو بوش، دولت او همچنان فاقد یک خط مشی روشن در مقابل ایران است حتی علیرغم این واقعیت که وزارت امور خارجه آمریکا، ایران را رهبر حامیان تروریسم بین المللی عنوان داده است.» این اواخر هم بررسی مسائل ایران عمدتاً حول **برنامه هسته ای** این کشور و تا حدودی برخی تحلیل ها پیرامون انتخابات ریاست جمهوری این کشور تمرکز یافته است. به این

مناسبت به بسیاری از سئوالات ابتدایی و پایه ای، از جمله سئوالاتی پیرامون مسائلی که حکومت آینده ایران با آن روبرو است، بندرت پرداخته شده است.

مسئله مهم این واقعیت است که گرچه ایران دارای **گوناگونی قومی و نژادی** و شاخه های **مختلف مذهبی** است، اما افراد بسیار اندکی هستند که به این امر واقفند که **فارس** ها احتمالاً **اقلیتی** از جمعیت ایران را تشکیل می دهند. البته مابقی جمعیت کشور متشکل از **آذری ها، کردها، بلوچ ها، ترکمن ها، و عرب های** خوزستان هستند. در مقطعی که رژیم کنونی ساقط شود، به گفته آنها، این گروهها (منظور ایشان همان اقوام فوق هستند) بدون شک نقش بسیار مهمی در **تجزیه** ایران بازی خواهند کرد.

برگذاری این **پانل** در **انستیتو آمریکن انتر پرایز**، عناصری را که در بالا ذکر شد **نمایندگان** اقوام ایرانی معرفی خواهد کرد، یعنی آنها کسانی که هستند که درجات مختلفی از سرکوب بی سابقه در دوران حکومت اسلامی را تجربه کرده اند و آنها وضعیت مصیبت بار و امیدهای خود را برای آینده یک ایران دموکراتیک به بحث و گفتگو خواهند گذارد.

مایکل لدین کارشناس **انستیتو آمریکن انتر پرایز** رئیس جلسه خواهد بود. نکته بسیار جالب در نظرات آمریکا و انستیتوهای مخازن فکری این کشور آن است که زمانی آنها بنا بر سیاست روز از **تمامیت ارضی کشور** (در دوره پهلوی) دفاع می کردند و هر نوع جنبش خلقهای **ایرانی** را منتسب به **بیگانه** می دانستند. از این رهگذر بیشترین صدمات به جنبش مردم کرد، آذری و عرب ایران وارد آمد.

در راستای حرکت **انستیتوهای آمریکائی** در **فدرالیزه** کردن ایران، البته تحت احکام **نئولیبرالیسم** به نوعی که این خلق ها درست به مانند **حکومت کرد عراق** همچون **عروسی** در دستان آمریکا قرار گیرند، سلطنت طلبها و دسته جات **رضا پهلوی** هم در این راستا تحرکاتی را در اروپا آغاز کرده اند که از جمله نشستی که شهریار آهی از منتسبین به دفتر رضا پهلوی و خود رضا پهلوی با برخی افراد به ظاهر چپ و جمهوری خواه **جدایی** طلب در برلین داشته اند. اما برای مردم **استقلال طلب** و **مبارزین دموکرات ایران**، تجربه خونین و هولناک **عراق** و **افغانستان** تجربه ای هولناک است و اینان سیاست های مبتنی بر «**تغییر رژیم**» (Regime Change) **انستیتوهای مخازن فکری** (Tank Think) آمریکائی و اروپایی مبتنی بر **دخالت در امور کشورها** را **نمی پذیرند**. طرح هایی چون **برگذاری انقلابات مخملی** و انواع **فراندم** های پیشنهادی آنان و از جمله پیشنهاد **فراندم** اخیر از سوی مراکز مخازن فکری آمریکا و دولت **آمریکا**، و کمک های مالی و فکری به سردمداران کنونی آن، از طرف **مردم استقلال طلب ایران** و **مبارزین دموکرات ایرانی** پذیرفتنی نیست.

نبرد با اهریمن

این حرکات مشترک همراه با **تحركات جهانی امپریالیسم آمریکا علیه ایران**، تنها در **مبارزه عادلانه مردم ایران با حکومت اسلامی** وقفه طولانی می اندازد. مبارزه ای که می بایست در چهارچوب جنبش های واقعی **میهن پرستان** و **توده های مردم** شکل بگیرد و **بدور از هر دخالت خارجی** باشد. هر گونه فشار **مداخله جویانه خارجی** از جنگ گرفته تا انواع دخالت های سیاسی، یادآور تجربه ناگوار جنگ ایران و عراق است که کشور را از حرکت در عمیق جنبش های مردمی باز داشت.

جنگ ایران و عراق باعث گشت که مردم ایران از **مخالفت با حکومت اسلامی** باز داشته شوند و یکپارچه به سوی **دفاع از موجودیت کشور** بپا خیزند. در این میان **حکومت اسلامی** طبیعتاً و ناخواسته مورد مدافعه قرار گرفت. در طی این جنگ بود که تمامی **سرکوبهای سیاسی** از سوی حکومت اسلامی آغاز شد و این حکومت توانست برای سالیان بیشتری پابرجا بماند. **مبارزه مردم ایران با حکومت اسلامی** جهت تحقق **عدالت اجتماعی و آزادی و دموکراسی**، حق مردم این کشور است. نه قدرت های خارجی و نه **طرفداران دیکتاتوری پهلوی** که بار دیگر در خیانت به مردم ایران **دست در دست امپریالیسم آمریکا** گذارده اند، نمی توانند این حقوق را از مردم ایران باز ستانند.

در انتها بد نیست یادآور شویم که تنها تحت یک حکومت **دمکراتیک، لاییک، ملی و غیر وابسته** است که اقوام ساکن ایران می توانند به **خود گردانی و استقلال** در امور خود نائل شوند. هر گونه طرح و حمایت **حکومت های امپریالیستی و انستیتوهای خوراک دهنده آنها**، پیرامون **تجزیه ایران** و یا **فدرالیزه** کردن ایران آنچنان که در عراق پیش رفت، بنوعی دیگر به زیر انقیاد در آوردن این خلق ها و تاراج منابع آنهاست.

آبان ماه ۳۷۴۳ جمشیدی (۱۳۸۴)

افراط گرایی و رادیکالیسم اسلامی حربه استعمارگران مذهبی غرب



ایدئولوژی افراطی هدفی است برای به اسارت درآوردن مردم ناآگاه و بوجود آوردن استعمار از نوع ارباب و ایجاد تشنج و بحران در جوامع گوناگون.

- ایدئولوژی مرگبار افراط گرایان اسلامی که زاده استعمارگران مذهبی غرب می باشد، مبتنی بر تروریسم اسلامی در قرن جدید می باشد.

با نگاهی به عملکرد این تروریست های اسلامی (مزدوران سیاست های غربی)، قتل ۲۵ کودک عراقی در یک بمب گذاری، اعدام معلمان عراقی در مدرسه هایشان، بمب گذاری در اماکن عمومی و کشتار مردم بی گناه در تمام دنیا، ثابت می شود که این عملکردها عاری از عدالت، شرافت و اخلاق انسانی به شمار می رود.

- این تروریسم اسلامی- افراطی غربی، در حالیکه آینده ای عدالتمند و مقدس را نوید می دهد در عمل مشغول آماده سازی آینده ای آکنده از ستم و بدبختی است. در اینجاست که با بررسی عمیق تر می بینیم که رادیکالیسم اسلامی غربی که در تضاد گفتاری و کرداری است محکوم به فناست و حربه افراط گرایی اسلامی برای ایجاد استعمار مذهبی نوین، با شکست روبرو خواهد شد.

جنگ بی امان رادیکالیسم اسلامی علیه اندیشه پیشرفته و مدرن و دفاع آنها از جهل و نادانی و عقب ماندگی جوامع مسلمان تحت استعمار بین المللی، بیانگر بکارگیری حربه افراط گرایی اسلامی یعنی تروریسم اسلامی در اینگونه کشورها، برای عقب ماندگی و وابسته بودن هرچه بیشتر به غرب می باشد.

ما می دانیم که همکاری و روابط تنگاتنگ میان سرویس های اطلاعاتی و امنیتی غربی و کشورهای تحت استعمار منطقه با شبکه های مختلف تروریستی اسلامی وجود دارد و تمام عملکرد های تروریست مذهبی تحت کنترل آنها می باشد و ابزاری است برای خفقان، ارباب، کشتار و به بردگی درآوردن مردم کشورهای به اصطلاح فقیر و در حال رشد، ولی همانگونه که می دانید در اغلب این کشورها منابع سرشار زیرزمینی وجود دارد که مردم آن جوامع حق بهره مند شدن از آن را ندارند و باید به جیب گشاد جهانخواران بین المللی سرازیر شود. این کشورها از نگاه استعمارگران نباید نه پیشرفت سیاسی- اجتماعی و نه اقتصادی داشته باشند در اینجاست که ستیزگری رادیکالیسم اسلامی علیه پیشرفت و مدرنیته بکارگرفته می شود و ایدئولوژی استعمار مذهبی شروع به رشد می کند و عقب ماندگی و عدم پیشرفت را باعث می شود.

این معضل خطر جدی علیه بشریت است و این نادانان سیاست بین المللی که جهان را بصورت مثبت نمی توانند اداره کنند و جنگ و خونریزی و ناعدالتی را پایه یک جهانی شدن قرار داده اند، بدانند که آتش این ناآگاهی در اداره منطقه و جهان به همه کره زمین سرایت خواهد کرد.

- عملکرد دولت هایی مانند آمریکا، انگلیس و اسرائیل نه تنها عاملی در محدود کردن دامنه تروریسم بنیادگرای اسلامی نبوده است بلکه خود زمینه ساز گسترش رادیکالیسم اسلامی و نیرومند شدن تروریسم مذهبی در منطقه بوده است، چرا که این کشورها در ادامه روند پروژه خاورمیانه بزرگ یعنی اسلامیزه کردن منطقه برای ایجاد استعمار مذهبی در منطقه نیاز به افراط گرایی اسلامی دارند.

- اقدامات و عملیات تروریستی بر پایه رادیکالیسم اسلامی که باعث ناامنی، ترور و وحشت مردم بی گناه می شود به استعمارگران مذهبی اجازه می دهد مستقیماً با عملیات نظامی وارد صحنه سیاسی- اجتماعی کشورهای منطقه شوند و استعمار غیرمستقیم را به استعمار مستقیم تبدیل نمایند و در این شرایط است که ثروت های ملی این جوامع، مستقیماً به یغما برده می شود و مردم این کشورها روز به روز بدبخت تر و سیه روزتر می شوند و این استعمارگران مذهبی با رادیکالیسم و تروریسم اسلامی نه تنها فرهنگ و آزادی ها و عدالت را در جامعه نابود می کند بلکه اقتصاد و رفاه اجتماعی از بین می رود و می بینیم که نابود کردن فرهنگ، اقتصاد و رفاه اجتماعی در یک جامعه انسانی، گوشه ای از سیاست ارتجاعی نظم نوین استعمار مذهبی آمریکا و متحدانش است.

در این راستا است که بند و بست های پنهانی استعمارگران مذهبی غرب با جریانات تروریستی مذهبی، قومی جدایی خواه، جریانات به اصطلاح دمکرات غیرملی- میهنی و خائنین

در مسیر تجزیه و نابودی فرهنگی و اقتصادی این کشورها مشاهده می شود. آری این است نظم نوین جهانی آمریکا و متحدانش.



هدف آمریکا و متحدانش از لشگرکشی در منطقه نه تنها اینکه نابودی تروریسم اسلامی و رادیکالیسم اسلامی نیست، بلکه تحکیم موقعیت و قوی تر کردن واضح آنها در منطقه بوده است که بتوانند با این روند استعمار جدید مذهبی یعنی پروژه خاورمیانه بزرگ را عملی سازند. در این راستا آنها نیاز داشتند به بهانه مقابله با تروریست مذهبی، مستقیماً با ارتش خود در منطقه حضور داشته باشند و باعث استمرار هرچه بیشتر موقعیت سیاسی- نظامی و سیاسی- اقتصادی خود در منطقه که حیات اقتصاد جهان بدان وابسته است باشند.

- در سیاست نظم نوین، به دیده استعمارگران مذهبی نه تنها دولت های اسلامی و رادیکالیسم اسلامی جایگاه ویژه ای دارند بلکه تشکیل حکومت های اسلامی جدید و تقویت افراط گرایی اسلامی یک رکن اساسی از سیاست استعماری نوین در پروژه خاورمیانه بزرگ می باشد. در این راستا مشاهده می گردد که آزاد اندیشان و انسان گرایان (مردم گرایان) میهن پرست را به سادگی با حربه افراط گرایی اسلامی از میان بر می دارند تا کسی دیگر نتواند در این جوامع بر آنها قد علم کند. جنبش افراط گرایی و رادیکالیسم اسلامی در ابتدا برای مقابله با کمونیسم توسط جهان غرب پدید آمد و پس از چندی ملاحظه گردید که نه تنها حربه ای نبود کننده در برابر کمونیسم است بلکه دستاویزی است برای به استعمار در آوردن توده های مسلمان و با پروژه اسلامیزه کردن این جوامع امکان این را می دهد که استعمار غیرمستقیم جهان غرب به استعمار مستقیم تبدیل گردد. تقویت و حمایت از رادیکالیسم اسلامی فراهم کننده روند بیرحمانه و ضد انسانی استعمار مذهبی می باشد که در پی آن منابع و ثروت ملی اینگونه جوامع به یغما برده می شود. همگان می دانند که در ایران اسلام افراطی - سیاسی به کمک غرب به حکومت رسید و به شکل یک قدرت رادیکال اسلامی سازمان داده شد و توسط استعمارگران مذهبی غربی نیروی جدید ویرانگر و آدمکش افراطیون اسلامی با امکانات و حمایت وسیع بین المللی به وجود آمد تا پروژه استعمار مذهبی منطقه به عبارتی دیگر پروژه خاورمیانه بزرگ آمریکا و متحدانش عملی گردد. استعمارگران برای نیل به هدفشان حتی اگر منجر به کشته شدن هزاران نفر از مردم خودشان نیز شود ابایی ندارند، آنها برای رسیدن به

سودهای کلان اقتصادی حتی حاضرند ملت خویش را قربانی کنند چه رسد به ملت های به اصطلاح آنها جهان سوم و کشورهای جنوبی، به گفته آنها این کشورها مردمی فقیر، ناآگاه و عقب افتاده دارند و نیاز به سروری جهان استعمارگر پلید غرب دارند. ما این را در فاجعه یازده سپتامبر در نیویورک و بمب گذاری هایی که در اسرائیل و اروپا توسط استعمارگران مذهبی به کار می رود مشاهده می کنیم. همانگونه که اشاره شد بدون حمایت دول غربی، حکومت اسلامی در ایران سر کار نمی آمد و همچنین بدون پشتیبانی این جهانخواران و استعمارگران مذهبی غربی، حکومت و رادیکالیسم اسلامی در ایران به بقای خود ادامه نمی داد. مردم دنیا باید بدانند که بدون حمایت و پشتیبانی قدرتهای جهانی، حکومت های اسلامی منطقه قادر نخواهند بود قوانین ارتجاعی اسلامی را به یک رکن سیاه زندگی مردم تبدیل کنند. باید گفت که بدون حمایت سیاسی - نظامی، سیاسی - اقتصادی و دیپلماتیک غرب، جریان اسلامی - افراطی طالبان در افغانستان به قدرت نمی رسید و بن لادن های کوچک و بزرگ در دنیا به وجود نمی آمدند و نیز بدون حمایت غرب جریان اسلامی - افراطی در عراق به نیروی اصلی و یک قدرت سیاسی - اجتماعی تبدیل نمی شد.

استعمارگران، گروههای تروریستی مانند برادران مسلمان (اخوان المسلمین) در مصر و حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و نیز حزب الله لبنان را بوجود آوردند. در ایران نیز از فرقه اسماعیلیه گرفته تا مجاهدین خلق، گروه حجتیه و شاخه های منشعب از آنها را خلق کردند. از جمله استعمارگران مذهبی غرب، یهودیان را سالهاست که تعلیم احکام اسلامی می دهند و آنها را به جای حجت الاسلام و آیت الله در شهرها و روستاهای کشورهای مسلمان می فرستند تا با برنامه ریزی زیرکانه خود مردم این نواحی در جهل و نادانی باقی بمانند. همانگونه که قبلاً اشاره کرده ایم اکثر آخوندهای حکومت جبار افراطی - اسلامی در ایران دست پرورده یهود و یا خود یهود هستند و در شبکه های فراماسونری یهودی - انگلیسی عضویت دارند.

استعمارگران مذهبی غربی باید بدانند که انسان های روی کره زمین برابرند و همه ملتها باید در صلح و آرامش و رفاه نسبی زندگی کنند، فرهنگ همه جوامع بشری از جمله مردم مسلمان قابل احیا و تغییر در شرایط زمانی و مکانی و در مسیر پیشرفت اجتماعی در جهان قابل هماهنگ شدن می باشد. مردم مسلمان هم آزادی، آبادی، پیشرفت و مدرنیته را می پسندند و از رفاه و عدالت اجتماعی و همچنین از صلح و امنیت دفاع می کنند و برای رسیدن به آن حاضر به هرگونه مبارزه و تلاش می باشند، استعمارگران باید بدانند که تنها راه نجات جوامع بین المللی و موفقیت در پروژه یک جهانی شدن آن است که آزادی، دموکراسی، رفاه و آسایش، صلح و امنیت هم در همه نقاط کره زمین یک جهانی و برابر شود و همه ملت های روی کره زمین از آن به طور نسبی بهره مند شوند. ما هرگونه زیر پا نهادن حقوق انسانها را در هر جای دنیا که باشد محکوم می کنیم و نیز تقویت جریانات افراطی اسلامی و

حاکم کردن دین بر زندگی مردم که توسط ابرقدرت ها صورت می گیرد را نیز محکوم می کنیم و در عین حال از سکولاریسم یعنی جدایی دین از قوانین مدنی و حکومتی و همچنین اجرای قوانین جهان شمول حقوق بشر و حقوق مدنی در جوامع مسلمان به طور پیگیر دفاع می کنیم.

ما مدافعان صلح و امنیت، رفاه و آسایش، آزادی و آبادی در منطقه بخصوص ایران هستیم و از جدایی کامل مذهب در سیاست اجتماعی (سکولاریسم) دفاع می کنیم. ما قاطعانه بارها اعلام کرده ایم و می کنیم که بدون حمایت غرب از رادیکالیسم و تروریسم اسلامی، صلح و آرامش، مهر و دوستی، رفاه و آسایش، آزادی و آبادی به منطقه بازخواهد گشت و ما مردم آزادیخواه ایران و منطقه می توانیم با یاری یکدیگر اسلام افراطی و عوامل خائن بشری آن را نابود سازیم.

به امید یک جهانی شدن عدالت اجتماعی و دموکراسی در دنیا

آبان ماه ۳۷۴۳ جمشیدی (۱۳۸۴)

جدائی دین از حکومت (سکولاریسم – لائیسیته)

جدائی دین از حکومت عبارت است از عدم دخالت احکام و قوانین مذهبی در ساختار قوانین **مدنی و اجتماعی** در یک کشور.

قوانین مدنی و اجتماعی عبارت است از **اصول اتخاذ شده** ای، که روابط و عملکرد **مردم با مردم** و نیز روابط و عملکرد حکومت و **مسئولان کشوری با مردم** را تعیین می کند. اصولاً قوانین مدنی و اجتماعی توسط **نمایندگان** مردم پیشنهاد و در شوراهای منتخبین تصویب می شود و بصورت قانون در جامعه قابل اجراء می گردد، این **قوانین** معمولاً از **فرهنگ، آداب و رسوم** یک جامعه با در نظر گرفتن **تحولات** و توسعه روزافزون جامعه نشأت گرفته می شود، این روش را ما، **خردگرایی** در اتخاذ اصول **ساختار روابط اجتماعی** می نامیم که به منظور ایجاد محیطی امن و رفاهی تدارک دیده شده است.

از بدو تشکیل گروههای اجتماعی ابتدائی (قبیله- قوم) تا بوجود آمدن کشورها همواره برای اداره جامعه، قوانینی بوجود آمده که تعیین کننده **اصول رفتاری** و برخوردی آن مردم نسبت به هم بوده است. چرا که همه تشکلات انسانی در هر مجموعه برای پایداری و اجتناب از بحران و درگیری های فردی و اجتماعی نیازمند به **نوعی قانون و مقررات** متناسب با خلق و خو و عادات و سنتها در آن جامعه می باشند. برای گریز از بحران های اجتماعی طبعاً می بایست قوانین مدنی مورد تأیید اکثریت افراد جامعه باشد که در این صورت **ساختاری مردم گرا** و **دمکراتیک** در آن جامعه پدید می آید و این قوانین قابل **بازنگری** و تغییر نسبت به تحولات اجتماعی – اقتصادی می باشند.

دین و قوانین مذهبی نوعی **شبکه ذهنی** جزمی، **ازلی و ابدی** و **غیرقابل تغییر** می باشند، چرا که گفته اند کلام خداوند است که توسط پیامبران نازل گشته است و انسانها توانایی و حق اصلاح و تغییر در آن را ندارند.

تمام ادیان برای خود حضور ابدی را در عالم هستی مدعی می شوند و پیروان هر دین معتقد هستند که تا جهان باقی است تنها همین دین راهنمای بشریت خواهد بود.

با در نظر گرفتن اینکه **جوامع بشری** در حال **ترقی، توسعه و پیشرفت** می باشند و **شرایط** زمانی و مکانی همواره موجب **تغییر** ساختار اجتماعی جامعه می گردد و بی گمان منجر

به **بازنگری** و تجدید قوانین مدنی و حکومتی می شود در نتیجه **دخال**ت دین در **اداره مملکت امکانپذیر نیست**.

در صورت دخالت دین در قوانین مدنی و اجتماعی که ساختار حکومتی از آن سرچشمه می گیرد، **جزمی مستبدانه** در جامعه حکمفرما می شود که رکود و **اضمحلال** آن جامعه پیامد آن خواهد بود. چرا که **دین حکومتی**، **دین زور** و دین جبر و قدرت می شود که **بی دینی** می آورد و برای احترام به ادیان می بایست از **جبری** نمودن آن جلوگیری شود و دین را در **حکومت** دخالت نداد.

در جهان امروز شایسته ترین و پراج ترین حکومت‌های مردم گرا و دمکراتیک، آنهایی هستند که دین را از قوانین اجتماعی و مدنی یعنی ساختار حکومتی جدا کرده اند و به آنها حکومت‌های **لائیک** و **سکولار** نام نهاده اند، آنها دخالت احکام دینی بر حیات سیاسی - اجتماعی و سیاسی - اقتصادی را برای رفاه و توسعه جامعه زیانبخش می پندارند.

فرانسه با انقلاب ۱۷۸۹ خود که هدایت شده بود و انقلاب‌های بعدی در سالهای ۱۸۳۰ و ۱۸۴۸ توانست جدایی دین از حکومت را در قانون اساسی خود جای دهد و از آن روز جامعه فرانسه رو به شکوفائی نهاد و امروز مرکز ثقل و منطقه اصلی دمکراسی در جهان می باشد. البته باید متذکر شد که کلمه لائیسیتیه برای نخستین بار در روزنامه Patrie (میهن) در فرانسه مطرح شد. در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۰ دسامبر ۱۹۴۵ لائیسیتیه در رابطه با آزادی وجدان، اندیشه و بیان عمل می کند.

در **ترکیه** بعد از به قدرت رسیدن «**کمال آتاتورک**» در سال ۱۹۲۳ و اعلام **جمهوری** همراه با **قانون اساسی لائیک**، او توانست جامعه را برای مدرنیته اقتصادی و اجتماعی آماده کند و همانگونه که می بینیم در ترکیه مساجد، کلیساها و سایر اماکن مقدس مذهبی به تبلیغات خویش ادامه می دهند و انسانها آزادانه با پیروی از ندای وجدانی و روحانی خود به انجام باورهای مذهبی خویش می پردازند و کسانی هم که باور مذهبی ندارند آزادانه به زندگی روزمره خود ادامه می دهند.

در اینجا ثابت می شود که زمانی که دین، قدرت و حکومتی نداشته باشد، مردم با صفا و با روحی آزاد به اعتقادات دینی خود عمل می کنند و **حکومت هم دور از هر گرایش دینی**، یک جامعه دمکراتیک و **مردم گرا** را اداره می کند و زمینه رشد و توسعه فرهنگی و اقتصادی را برای ایجاد رفاه و عدالت اجتماعی روزافزون مهیا می کند.

با نگاهی به جوامعی که دارای **حکومتی لائیک** می باشند مشاهده می شود که **آزادی های** اجتماعی و فرهنگی همراه با پیشرفت های اقتصادی و صنعتی به صورت چشمگیر دنبال می شود.

نبرد با اهریمن

رضاشاه فردی **دلیر** بود و تا آنجا که در توان داشت در آن شرایط زمانی خدمات ارزنده ای به ایران و ایرانی کرد ولی باید متذکر شویم که با بی توجهی به وجود **ریشه مذهب در قانون اساسی** و عدم تغییر **اصل یک و دو** از متمم قانون اساسی پادشاهی مشروطه (مشروع) که در آن **اجرای قوانین اسلامی** را در جامعه اجباری می کند قصد داشت مدرنیته و تحولات ریشه ای در جامعه انجام دهد و یکی از اقدامات او **کشف حجاب** بود که بدون در نظر گرفتن تغییرات ریشه ای در قانون اساسی عمل او زیر پا نهادن قانون اساسی بود، البته این سؤال همواره برای **میهن پرستان** مطرح بوده است که در شانزده سال سلطنت او چگونه این اصول دست و پا گیر در قانون اساسی از میان برداشته نشد و اجازه داد که **قدرت مذهبی اهل عمامه** همچنان در قوانین مملکتی باقی بماند.



محمد رضاشاه پهلوی در امتداد روش پدرش، **هیچگونه اقدامی** برای تغییر قانون اساسی پادشاهی مشروطه مشروع که با زمان و شرایط آن روز ایران هماهنگی نداشت، نکرد و این باعث شد که **اهل عمامه** وابسته به **استعمار** در موقع مناسب با هماهنگی جهان غرب رشد کرده و ایران و ایرانی را منهدم سازد.

در جوامع **سنتی** و **عقب مانده**، مشاهده می شود که دین که **ساختار روابط جامعه** را تشکیل می دهد و اصول کرداری انسانها بر آن استوار است و ما آن را **استعمار مذهبی** نام نهاده ایم، توسط **ابرقدرتها** بطور مستقیم و غیرمستقیم بر این جوامع وارد شده است تا این کشورها همواره در جهل و نادانی و عقب ماندگی اجتماعی و اقتصادی باقی بمانند و بصورت **مستعمره** همواره نیاز به یاری آنان داشته باشند.

در ایران گروهی **اهل عمامه** با حمایت **استعمارگران انگلیسی** مشروطه مشروع را که همان **قانونی کردن اجرای احکام اسلامی** در جامعه بود را به **نام انقلاب مشروطه ۱۹۰۶** به مردم **غالب کردند**، این قانون اساسی پادشاهی مشروطه مشروع با دارا بودن **قدرت کامل اهل عمامه**

توانست با به نعل و به میخ زدن در اجرای قوانین مدنی - مذهبی در جامعه مدت ۷۳ سال پادشاهی مشروطه مشروعه را در ایران پایدار نگاه دارد و در امتداد آن استعمارگران حکومت مشروعه اندر مشروعه به معنای دیگر حکومت تندرو و مستبد مذهبی را بر مردم شوربخت ایران چیره ساختند.

ما فرزندان ایرانزمین، در آینده نزدیک بعد از براندازی می بایست ساختار معقول و خردگرانه ای برای جامعه نوین ایرانزمین تدارک ببینیم تا همه مردم بتوانند در آن با مهر و دوستی، نیکی و راستی، آزادانه زندگی کنند.

سازمان پارس و شورای براندازی در این مهم جمهوری مشروطه لائیک را تدارک دیده است و پیش نویس قانون اساسی آن را نیز مهیا ساخته است و امید دارد که در آینده ایران بتواند با در دست گرفتن مسئولیت ایران، تمامی آرمان های نیک و انسانی را در میهن اهورایی خویش برقرار سازد.

اکنون فلسفه یک جهانی شدن اقتصادی به عبارت دیگر برداشتن مرزها برای سهولت سرمایه گذاری خارجی در توسعه اقتصادی و پیشرفت علمی و عملی در صنعت که بی تردید جهانیان از آن بهره خواهند برد ما را بر آن واداشت که در ارتباط نزدیک و روزانه با جهان آزاد در تبادل افکار انسان دوستانه و مردم گرا قرار بگیریم و در این راستا برای بهبود زندگی هم میهنان عزیزمان و در نهایت تلاش برای توسعه پروژه های منطقه ای و جهانی، مسئولیت بگیریم و این نقطه عطفی خواهد بود برای صلح، امنیت و رفاه در ایران، منطقه و جهان که در حال حاضر از آن بسیار دور می باشیم و تنها با براندازی و منهدم ساختن حکومت جبار اسلامی در ایران، امکانپذیر است.

آبان ماه ۳۷۴۳ جمشیدی (۱۳۸۴)

حکومت ابلهان در مستعمرات

بنگاه داران و **دلالتان سیاسی** شعور مردم را به هیچ گرفته اند. عوامل **مزدور و جاسوسان بیگانه پرست**، طی دو قرن اخیر در خیانت به میهن بیداد کرده اند. بهترین فرزندان ایرانزمین، همچون **قائم مقام ها و امیرکبیرها** را به فجیع ترین وضعی کشتند و به جای آنان بیسوادان **ابلهی** را چون **میرحاجی آقاسی و میرزا آقا خان نوری** را بر سر کار گماردند. در این دو قرن هر برگ از دفتر رویدادهای کشور، **مشحون** است از **دروغ و دورنگی و تزویر** تا جائیکه در ذهن ملت ایران واژه **سیاست جای فریبکاری**، **عوامفریبی**، **مکر و تزویر** را گرفته است.

به همین دلیل است که امروزه کار **ریاکاران و مزورین** بالا گرفته، هفتاد و پنج میلیون ملت ایران، آنچنان به بازی گرفته می شود که انگار در سرزمین، نه **دانشمندی** وجود دارد، نه **سیاستمدار دانایی** و نه **نیروی مقاومت و پیکارگری**.

گفته اند که در دوران هارون الرشید، **خلیفه عیاش مسلمین**، کشور بزرگ و باستانی **مصر** جزو قلمرو حکومت خلفا درآمد. هارون بسیار نگران و متوحش گردید و از **جعفر برمکی** پرسید:

ما چگونه می توانیم کشوری به این عظمت، با آن تاریخ کهن را نگهداری کنیم و از طرف **شورشیان مصری** در امان باشیم؟

جعفر پاسخ داد :

آیا در میان غلامان در دستگاه خلافت فردی را می شناسی که واقعاً **احمق** باشد؟
هارون گفت :

خدا را گواه می گیرم که تاکنون ساده تر از این سئوالی از من نشده است. احمق ترین غلام ما « **ابوالحمار** » است که استرش از او عاقل تر است، زیرا راه ورود و خروج از قصر ما را، آن قاطر می داند و راکبش ابوالحمار نه تنها این راه را نمی داند بلکه از معنای نامی که برای او گذارده ام بیخبر است.

جعفر گفت :

ابوالحمار را حاکم مصر کن.

هارون آنچنان کرد و تا روزی که **ابوالحمار** حاکم مصر بود، آب از آب تکان نخورد. اما کمر ملت نجیب و کهنسال مصر آنچنان شکست که هنوز هم قد راست نکرده است.

فرهنگ دیرپایش **منهدم** شد، زبان و خط پنج هزار ساله اش به **فراموشی** سپرده شد. **چفیه** عکال بست، **دشرنه** پوشید، **نعلین** بپا کرد، اهرامش به ویرانی گرائید، به **خط عربی** نوشت و به زبان عربی سخن گفت، خلاصه بگویم که این کشور بزرگ افریقائی که از سواحل مدیترانه تا اعماق سودان و اوگاندا و هفت آبشار بزرگ نیل را در اختیار داشت **از بیخ عرب شد**.

ابوالحمار و اعوان و انصارش، آنچنان حکومت **دیکتاتورانه** و **احمقانه** ای را پی ریزی کردند که فقیهان سفیه روی کار آمدند، عدالت و حقانیت از جامعه رخت بریست، گردونه **اندامهای** بیرحمانه یک لحظه از حرکت باز نایستاد. آسیاب ها با **خون مردم بیگناه و دانشمندان** بی پناه به حرکت آمد. کشور شش هزار ساله فراعین به روز سیاهی افتاد که هنوز شاهد تیره روزی آنان هستیم.

چنگیز خان مغول که همواره نام پلیدش روی اهریمن را سفید کرده است، هنگام مرگ آخرین یاسای خود را به عنوان وصیت چنین اعلام کرد :

پس از من کوچکترین افراد را به کارهای بزرگ بگمارید و بزرگترین مردم را وادار به انجام کارهای کوچک نمائید. هر دهانی که از آن صدای حق طلبی و عدالت خارج شد بدوزید. تا حکومت در دودمان ما باقی بماند ...

در تمام جهان در طول تاریخ از دوره های کوتاه طلائی، همواره **زورگوئی** و **استبداد** حرف آخر را زده است. در اروپا هم مدت یک هزار و سیصد سال میلیونها نفر در **آتش حکومت مذهبی** سوختند و دم برنیاوردند. **سی و هشت پاپ** مردم بیگناه را به اتهامات واهی به شعله های آتش سپردند و حتی به گربه های معصوم هم ترحمی روا نداشتند. گربه ها را هم سوزاندند به جرم اینکه حیوان مورد علاقه **جادوگران** هستند.

در **حکومت ابلهان** همه نادان می شوند، زیرا دانایان چاره ای جز خموشی و سکوت ندارند و این نادانان مزدور هستند که زمینه را برای جولان خویش مناسب می دانند. این روزگاران دامنه بیماری **مهمل** گوئی های **آخوندها** به خارج از مرزها هم سرایت کرده است. اینطرفی ها هم گوئی آنطرفی شده اند، از آنجا که اعتقاد پیدا کرده اند که :

« جهان به مردم نادان دهد زمام مراد

تواهل دانش و فضلی همین گناهت بس»

آنها به نام **اسلام** متوسل شده اند و هرچه خواسته اند کرده اند. این **مزدوران استعمار** هم **اسلام** و **جمهوری** را بهانه کرده اند و هر جنایت و خیانتی را مایلند علیه ملت ایران انجام می دهند.

اکنون **استعمارگران** از **ابلهان مزدور** برای **ویرانی** فرهنگی - اقتصادی کشورهای **مستعمره** بهره می جویند، چنانکه در **حکومت اسلامی** گروهی از **احشام اهل عمامه** مزدور

نبرد با اهریمن

انگلیس مسئول سرزمینی شدند که از بطن آن رهبران، شاعران، دانشمندان و اندیشمندان بی نظیر ظهور کرده اند و فرهنگ و تاریخ شکوفائی که تمام دنیا از آن بهره مند شدند را آفریدند. ایرانزمین در فرازها و نشیب های تاریخی توانست یکه تاز فرهنگ دنیا گردد، هرچند که نشیب های تاریخی ما بیشتر بود، ولی اصالت خون و خاک و بستر فرهنگی پر بار ایرانزمین نگذاشته است که چون دیگر کشورهای خاورمیانه به قهقرا پرتاب شویم.

فرزندان ایرانزمین، تاریخ را تجربه خویشتن سازیم و مبارزه واقعی خویشتن را با دشمنان ایرانزمین و نوکران سرسپرده آنها آغاز کنیم و بدانیم که با سلاح میهن پرستی پیروزی از آن ماست.

اردیبهشت ۳۷۴۴ جمشیدی (۱۳۸۵)